

Investigating the relationship between spiritual intelligence and compromise skills with academic enthusiasm in second year high school students of district one of Khorram Abad city

Seyyed Mahmoud Khalafvandi

Abstract:

The purpose of the present study was to investigate the relationship between spiritual intelligence and compromise skills with academic enthusiasm in second year high school students of district one of Khorram Abad city. This research was applied in terms of purpose and descriptive and correlational in terms of nature and method. The statistical population of this research included all female students studying in the second secondary level of high schools in Khorram Abad city. Method and tools: According to the nature of the subject and research objectives, descriptive method of correlation type was used in this research and field method and questionnaire were used to collect information. The collected data were analyzed at two levels (descriptive statistics and inferential statistics). At the level of statistics, mean and standard deviation were used, and at the level of inferential statistics, Pearson's correlation coefficient and multiple regression were used. The results show that there is a relationship between spiritual intelligence, compromise skills and academic enthusiasm. Also, there is a relationship between all dimensions of spiritual intelligence, including general thinking and belief dimension, ability to deal with and interact with problems, dealing with moral issues, self-awareness, love and interest, and academic enthusiasm. In addition, there is a significant relationship between the two dimensions of spiritual intelligence including general thinking and the dimension of belief and self-awareness and love and interest with compromise skills. In line with these results, it is suggested to counselors in schools to implement psychological interventions based on spiritual intelligence in order to improve compromise skills and academic enthusiasm; It is also suggested to plan for education in various ways such as printing internal brochures, preparing and organizing scientific conferences and emphasizing cultural and artistic advertisements in the school, focusing on spiritual intelligence with compromise skills and academic enthusiasm.

Keywords: Spiritual intelligence, academic enthusiasm, compromise skills, students.

بررسی رابطه هوش معنوی و مهارت‌های سازشی با اشتیاق تحصیلی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه ناحیه یک شهرستان خرم آباد

سیدمحمود خلفوندی^۱

صص ۹۸ - ۱۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه هوش معنوی و مهارت‌های سازشی با اشتیاق تحصیلی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه ناحیه یک شهرستان خرم آباد بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی و همبستگی بوده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر مشغول به تحصیل در مقطع متوسطه دوم دبیرستان‌های شهرستان خرم آباد بودند. با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، در این تحقیق از روش توصیفی از نوع همبستگی استفاده شد و برای جمع آوری اطلاعات از روش میدانی و پرسشنامه استفاده گردید. داده‌های گردآوری شده در دو سطح مورد تجزیه و تحلیل (آمار توصیفی و آمار استنباطی) قرار گرفت. در سطح آمار از میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج حاصله گویای آن است که بین هوش معنوی با مهارت‌های سازشی و اشتیاق تحصیلی رابطه وجود دارد. همچنین بین تمامی ابعاد هوش معنوی شامل تفکر کلی و بعد اعتقادی، توانایی مقابله و تعامل با مشکلات، پرداختن به سجایای اخلاقی و خودآگاهی و عشق و علاقه با اشتیاق تحصیلی رابطه وجود دارد. به علاوه بین دو بعد از هوش معنوی شامل تفکر کلی و بعد اعتقادی و خودآگاهی و عشق و علاقه با مهارت‌های سازشی رابطه معنادار وجود دارد. در راستای این نتایج به مشاورین در مدارس پیشنهاد می‌گردد که به اجرای مداخلات روانشناسی مبتنی بر هوش معنوی در جهت بهبود مهارت‌های سازشی و اشتیاق تحصیلی اقدام نمایند؛ همچنین با برنامه ریزی برای آموزش از راه‌های مختلفی چون چاپ بروشورهای داخلی، تهیه و تدارک کنفرانس‌های علمی و تاکید بر تبلیغات فرهنگی و هنری در مدرسه با محوریت هوش معنوی با مهارت‌های سازشی و اشتیاق تحصیلی پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: هوش معنوی، اشتیاق تحصیلی، مهارت‌های سازشی، دانش آموزان.

مقدمه

رشد و بالندگی هر جامعه‌ای مرهون نظام آموزشی آن جامعه است. بر این اساس همه ساله کشورها مبالغ قابل توجهی از درآمد ملی خود را صرف آموزش و پرورش می‌کنند. اما آمار بسیار بالای افت تحصیلی به صورت ترک تحصیل، اخراج و توقف در تحصیل، از نظر هزینه‌های آموزشی، هرساله خسارت‌های زیادی را به کشورهای جهان وارد می‌کند. با این تفاسیر در آینده نیز با افزایش افت عملکرد تحصیلی، بخشی از منابع انسانی و اقتصادی جامعه در سازمان‌های آموزشی با اخراج، ترک تحصیل، انصراف، مردودی و مشروطی افراد ضایع می‌شود و آثار و پیامدهای ناگوار فردی و اجتماعی فراوانی به وجود می‌آورد. افت عملکرد تحصیلی همچنین باعث اتلاف بودجه‌های مدارس، و سرخوردگی و درماندگی فرد و خانواده‌ها می‌شود.

یکی از موضوعات مرتبط با پیشرفت تحصیلی موضوع اشتیاق تحصیلی است. اشتیاق تحصیلی، به میزان انرژی که یک یادگیرنده برای انجام کارهای تحصیلی خود، صرف می‌کند و نیز به میزان اثربخشی و کارایی حاصل شده، اطلاق می‌شود. اشتیاق تحصیلی سازه‌ای چند بعدی است که دارای ابعاد شناختی، رفتاری و عاطفی (انگیزشی) است. اشتیاق شناختی^۲ به انعطاف پذیری در حل مساله، ترجیح برای کار سخت، مقابله مثبت در برابر شکست و به رویکرد خود تنظیمی یادگیری و استفاده از راهبردهای فراشناخت دلاله دارد اشتیاق رفتاری^۳ که به فعالیت‌های یادگیری، دقت و توجه، برخوردهای مثبت و حضور در محل تحصیل اشاره دارد. اشتیاق عاطفی^۴ مرتبط با نگرش‌های اثر بخش در جهت تشخیص احساس تعلق به محل تحصیل است. نعمی و پیریایی (۱۳۹۱) بر این عقیده‌اند که اشتیاق تحصیلی شامل سه بعد جذب، نیرومندی و وقف خود است. ویژگی برجسته جذب که به تمرکز و غرق شدن در فعالیت‌های تحصیلی اشاره دارد این است که وقت برای فراگیر سریع می‌گذرد به طوری که فرد گذر زمان را تشخیص نمی‌دهد و به سختی می‌تواند از کار خود جدا شود بعد نیرومندی به سطوح بالای انرژی و خاصیت ارتجاعی بودن ذهن فراگیر هنگام انجام امور درسی که دانش آموزان طی آن، تلاش قابل ملاحظه‌ای در انجام تکلیف خود نشان می‌دهد اشاره دارد. سومین مولفه اشتیاق تحصیلی، وقف خود در فعالیت تحصیلی است که با درگیری شدید روانی شخصی نسبت به وظایف تحصیلی مشخص می‌شود این بعد نوعی دلبستگی تحصیلی است و به عنوان درجه‌ای که فرد از لحاظ روانی خود را وابسته و متعهد به امور تحصیلی خود می‌داند تعریف شده است. دانش‌آموزانی که فاقد اشتیاق تحصیلی باشند، توجه و تمرکز کمتری بر مسائل و موضوعات مورد هدف یادگیری دارند؛ به قوانین و مقررات محل تحصیل تعهد کمتری نشان می‌دهند؛ از انجام رفتارهای سازگارانه و مطلوب اجتناب می‌کنند و در آزمون‌ها عملکرد ضعیف تری دارند.

دانش‌آموزانی که کمتر به دنبال فعالیت‌های کلاسی، پیگیری نقش‌ها و رفتارهای مرتبط با مطالعه هستند و به عبارتی اشتیاق رفتاری پایینی نسبت به مسائل درسی دارند، دارای سطوح پایین خودتنظیم‌گری و اعتماد به نفس و سطوح بالای اضطراب و استرس هستند، این افراد کمتر به کارهای مرتبط با مدرسه خود، رویه‌های محیط محل تحصیل و روابط پیچیده دانش‌آموز و مدرسه که بیانگر اشتیاق عاطفی است، می‌پردازند و در نهایت اینکه عدم اشتیاق عاطفی در میان دانش‌آموزان باعث می‌شود که اشتیاق شناختی آنان در چارچوب فعالیت‌های مدرسه‌ای و علمی رشد نیابد و دانش‌آموزان را از حالات منفی نظیر خستگی و فرسودگی تحصیلی محافظت ننماید. بنابراین، فقدان اشتیاق به مدرسه می‌تواند پیامدهای جدی نظیر عدم پیشرفت در مدرسه، تمایل به رفتارهای، انحرافی و خطر ترک تحصیل به دنبال داشته باشد.

در راستای پیامدهای منفی عملکرد تحصیلی ضعیف و عدم اشتیاق تحصیلی در میان دانش‌آموزان و هزینه‌های مالی و معنوی هنگفتی که به جامعه، فرد و خانواده آنان تحمیل می‌کند؛ پژوهشگران تربیتی و حتی روانشناسان تربیتی بر آن بوده‌اند عوامل مرتبط با پیشرفت و اشتیاق تحصیلی

^۲ Cognitive Achivement

^۳ Behavioral Achivement

^۴ Emotional Achivement

را شناسایی و هر یک از عوامل را طوری تنظیم و هدایت کنند تا دانش‌آموزان هم به رشد و یادگیری بیشتری دست یابند و هم تعداد زیادی از فراگیران را در برگرد و اکثریت افراد در کلاس درس مشارکت داشته باشند و به موفقیت بالاتر نائل شوند. اینکه چه عواملی بر عملکرد و اشتیاق تحصیلی در ارتباط است، یا سهم و مشارکت هر عامل چه اندازه است همواره در حیطه‌های مورد علاقه پژوهشگران تربیتی بوده است. عده‌ای از آنان بر این باورند در چنین شرایطی، منبعی که می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند معنویت است، زیرا می‌تواند آن را در تجربه‌های معنوی خود و به کارگیری آن در حل مسایل و درک ارزش و غنای زندگی یاری دهد. استفاده از هوش معنوی آنها را قادر می‌سازد تا برای حل مشکلات با شیوه نگرش معنوی اقدام کنند و به حقیقت رسیده و احساس شادکامی نمایند. وقتی افراد احساس شادی کنند، خلاقانه‌تر و کارآمدتر هستند و می‌توانند بهتر تصمیم‌گیری کنند.

هوش معنوی عبارت است از خودآگاهی عمیقی که در آن فرد هر چه بیشتر از جنبه‌های درونی خود آگاه می‌شود. همچنین، هوش معنوی توانایی به کارگیری و بروز ارزش‌های معنوی است؛ به گونه‌ای که موجب ارتقای کارکرد روزانه و سلامت جسمی و روحی فرد می‌شود. این مفهوم سازه‌های «هوش» و «معنویت» را در یک سازه ترکیب نموده است. درحالی‌که معنویت جستجو برای یافتن عناصر مقدس، معناپایی، هوشیاری بالا و تعالی است، هوش معنوی توانایی برای استفاده از این موضوعات است که می‌تواند کارکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی نموده، نتایج و محصولات ارزشمندی به بار آورد. به طور کلی می‌توان پیدایش سازه هوش معنوی را به عنوان کاربرد ظرفیت‌ها و منابع معنوی در زمینه‌ها و موقعیت‌های عملی در نظر گرفت. افراد زمانی هوش معنوی را به کار می‌برند که بخواهند از ظرفیت‌ها و منابع معنوی برای تصمیم‌گیری‌های مهم و اندیشه در موضوعات وجودی یا تلاش در جهت حل مسائل روزانه استفاده کنند (ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۳). در کنار هوش معنوی، مهارت‌های سازشی دانش‌آموزان نیز به عنوان سازه مرتبط با پیشرفت تحصیلی در پژوهش‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته است. کریمی لیچاهی و اکبری (۱۳۹۸) با بررسی دانش‌آموزان با افت تحصیلی نشان دادند مهارت‌های سازشی در این دانش‌آموزان در حداقل ممکن است و میزان خودآگاهی آنان نیز در به کارگیری مهارت‌های آموزشی بسیار ضعیف است. همچنین در افراد با پیشرفت تحصیلی ضعیف، شاهد کاهش مهارت‌های ارتباطی و توانمندی حل مسائل به شیوه منعطف هستیم که عمدتاً ناشی از عدم درک خویش‌شن و خودشناسی ضعیف است. در برخی از مطالعات خودشناسی ضعیف به هوش معنوی پایین رابط داده شده است (اید، آرنوت و آلموید، ۲۰۲۰).

با در نظر گرفتن بار آموزشی سنگینی که افت تحصیلی برای نظام آموزشی کشور دارد و با عنایت به اهمیت کارکردی بررسی متغیرهای مرتبط با پیشرفت تحصیلی به نظر می‌رسد لازم است بررسی متغیرهای مرتبط و زمینه ساز پیشرفت تحصیلی بیش از پیش مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین رشد نظام آموزشی هر کشوری در گرو پیشینه پژوهشی برنامه‌های کاربردی جهت ارزیابی دقیق متغیرهای مرتبط با زمینه مورد نظر است. در نهایت با در نظر گرفتن آینده سازی دانش‌آموزان و توجه به رشد و سلامت آموزشی و هیجانی آنها انجام مطالعاتی با محوریت هوش معنوی و مهارت‌های سازشی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به آنچه گفته شد مسئله پژوهش حاضر اینگونه بیان می‌شود که آیا بین هوش معنوی و مهارت‌های سازشی با اشتیاق تحصیلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه ناحیه یک شهرستان خرم‌آباد، رابطه وجود دارد؟

اهداف تحقیق

اصلی:

بررسی رابطه مولفه‌های هوش معنوی (تفکر کلی و بعد اعتقادی، خود آگاهی و عشق و علاقه، توانایی مقابله و- تعامل با مشکلات، پرداختن به سجایای اخلاقی) و مهارت‌های سازشی با اشتیاق تحصیلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه ناحیه یک شهرستان خرم‌آباد.

فرعی:

بررسی رابطه مولفه‌های هوش معنوی (تفکر کلی و بعد اعتقادی، خود آگاهی و عشق و علاقه، توانایی مقابله و- تعامل با مشکلات، پرداختن به سجایای اخلاقی) با مهارت‌های سازشی.

بررسی رابطه مولفه‌های هوش معنوی (تفکر کلی و بعد اعتقادی، خود آگاهی و عشق و علاقه، توانایی مقابله و- تعامل با مشکلات، پرداختن به سجایای اخلاقی) با اشتیاق تحصیلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه ناحیه یک شهرستان خرم‌آباد.

فرضیه‌های تحقیق

اصلی:

مولفه‌های هوش معنوی (تفکر کلی و بعد اعتقادی، خود آگاهی و عشق و علاقه، توانایی مقابله و- تعامل با مشکلات، پرداختن به سجایای اخلاقی) و مهارت‌های سازشی با اشتیاق تحصیلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه ناحیه یک شهرستان خرم‌آباد، رابطه معنادار دارد.

فرعی:

مولفه‌های هوش معنوی (تفکر کلی و بعد اعتقادی، خود آگاهی و عشق و علاقه، توانایی مقابله و- تعامل با مشکلات، پرداختن به سجایای اخلاقی) با مهارت‌های سازشی رابطه معنادار دارد.

مولفه‌های هوش معنوی (تفکر کلی و بعد اعتقادی، خود آگاهی و عشق و علاقه، توانایی مقابله و- تعامل با مشکلات، پرداختن به سجایای اخلاقی) با اشتیاق تحصیلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه ناحیه یک شهرستان خرم‌آباد، رابطه معنادار دارد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

هوش معنوی

مدتها بود محققان و اندیشمندان برای سنجش قابلیت‌های انسانی و استعداد ذاتی انسان و پیش بینی پیشرفت وی، از هوش استدلالی^۵ (IQ) و آزمون‌هایی که میزان این هوش را می‌سنجند، کمک می‌گرفتند. اندکی بعد، حضور هوشی فراگیرتر و نسبتاً مجزا از هوش استدلالی مورد توجه قرار گرفت که تمرکز بر درک و فهم احساسات و هیجانات داشت. این هوش، هوش هیجانی نامگذاری شد. اما با پیشرفت‌های روزافزون علم و فناوری و نیاز به نیروی ماهرانی و احساس خلاء در زندگی پیچیده امروزی، چیزی ورای این دو نوع هوش مدنظر قرار گرفت که تاکنون یا نیاز به

^۵ The argument intelligence

آن انکار می‌شد و یا نادیده انگاشته می‌شد و آن هوش معنوی یا کاربرد دامنه اطلاعات معنوی در حل مسایل روزمره و مسایل معنایی و ارزشی است (معینی، ۱۳۹۸).

مفهوم هوش معنوی در ادبیات آکادمیک روان شناسی برای اولین بار در سال (۱۹۹۶) توس استیونز^۶ و بعد در سال ۱۹۹۹ توس امونز مطرح شد. به عقیده امونز (۱۹۹۹) هوش معنوی سازه‌های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می‌کند. در حالی که معنویت با جستجو و تجربه عناصر مقدس^۷ معنا، هوشیاری اوج یافته^۸ و تعالی در ارتباط است، هوش معنوی مستلزم توانایی‌هایی است که از چنین موضوعات معنوی برای تطابق و کنش اثربخش و تولید محصولات و پیامدهای بالارزش استفاده می‌کند.

امونز (۲۰۰۰) تلاش کرد معنویت را بر اساس تعریف گاردنر (۱۹۹۹) از هوش، در چارچوب هوش مطرح نماید. او معتقد بود معنویت می‌تواند شکلی از هوش تلقی شود زیرا قادر به پیش بینی عملکرد و سازگاری فرد می‌باشد و همچنین، می‌تواند قابلیت‌هایی را مطرح کند که افراد را قادر می‌سازند تا به حل مسائل بپردازند و به اهدافشان دسترسی پیدا کنند. در حالی که گاردنر (۱۹۹۹) امونز را مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است که باید جنبه‌هایی از معنویت را که مربوط به تجربه‌های پدیدارشناختی هستند از جنبه‌های عقلانی، حل مسئله و پردازش اطلاعات جدا کرد (امرام، ۲۰۰۵).

به طور کلی، می‌توان پیدایش سازه هوش معنوی را به عنوان کاربرد ظرفیت‌ها و منابع معنوی در زمینه‌ها و موقعیت‌های عملی در نظر گرفت. افراد زمانی هوش معنوی را به کار می‌برند که بخواهند از ظرفیت‌ها و منابع معنوی برای تصمیم‌گیری‌های مهم و اندیشه در موضوعات وجودی^۹ یا تلاش در جهت حل مسائل روزانه استفاده کنند (زهر و مارشال^{۱۰}، ۲۰۱۹).

هوش معنوی موضوعات ذهنی معنویت را با تکالیف بیرونی جهان واقعی ادغام می‌کند (ولمن^{۱۱}، ۲۰۱۷).

دلانی (۲۰۰۲)، بر این باور است که معنویت و هوش معنوی در چهارچوب نظریه‌های علمی مترادف با مذهب و دین نیست، بلکه یک سازه کلی و عمومی و یک ویژگی چندبعدی است که باعث آرمان‌گرایی، کیفیت‌گرایی و نگرش متمایز به پدیده‌ها می‌گردد. معنویت به عنوان یک هوش، درک روان‌شناسان را از مفهوم معنویت گسترش داده و آنها را در درک ارتباط معنویت با فرایندهای شناختی منطقی-مانند دستیابی به هدف و حل مساله توانا ساخته است (کوه بنان‌ی، ۱۳۹۸).

اشتقاق تحصیلی

یکی از مفاهیم اساسی در آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان مفهوم اشتقاق تحصیلی است. اشتقاق تحصیلی از نظر لغوی به معنای میل و آرزوی چیزی را داشتن یا اینکه علاقه زیادی داشتن به امور و جنبه‌های یک کاری را گویند که معمولاً در مقابل بی‌میلی و بی‌ رغبتی تعریف می‌شود (کردافشاری، ۱۳۹۸).

اشتقاق تحصیلی به عنوان یک احساس تعلق و گرایش فرد به مشارکت در فعالیتهای کلاسی، از نتایج مهم مدرسه در کنار موفقیت‌های آموزشگاهی است. اشتقاق تحصیلی می‌تواند شامل مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه مانند ورزش، موسیقی، تئاتر و کار جمعی که به وسیله مدرسه سازمان داده می‌شود باشد. اشتقاق تحصیلی همچنین مشارکت در امر یادگیری وظایف آموزشگاهی است.

^۶ Stevens

^۷ The sacred

^۸ High consciousness

^۹ The argument intelligence

^{۱۰} Zohar and Marshall

^{۱۱} Velman

عوامل موثر بر اشتیاق تحصیلی

عوامل موثر بر درگیری تحصیلی شامل عوامل خانوادگی (ساختار خانواده، درآمد خانواده، اشتغال والدین، سواد والدین و مهاجرت) و عوامل مدرسه‌ای (ادراک و نگرش دانش‌آموز به مدرس، فضا و فرهنگ مدرسه، ارتباط دانش‌آموز با معلم و همکلاسی‌ها می‌باشد.

در همین رابطه برونر معتقد است دانش‌آموزان باید از فعل و انفعالات فرایند یادگیری آگاه باشند و دانش‌آموزان و دانشجویان مسئول یادگیری و معلمان تسهیل‌کننده و فراهم‌آورنده یادگیری هستند و در جای دیگر برونر عامل مؤثر بر اشتیاق تحصیلی را به کار بردن شیوه‌های تدریس خلاق در دانشگاه‌ها می‌داند روش سنتی به جای اینکه به پرورش و ظهور خلاقیت منجر شود، سبب نابودی و حذف آن می‌گردد در روش‌های شاگرد محوری دانش‌آموزان در فرایند یادگیری درگیر می‌شوند و قسمت اعظم کار آموزش بر عهده دانش‌آموزان است و یک تعامل دوطرفه بین دانش‌آموزان و معلم با یکدیگر وجود دارد در واقع نتیجه درازمدت آموزش با الگوهای تدریس جدید، استعدادهای افزوده دانش‌آموزان برای یادگیری آسان‌تر و مؤثرتر به دلیل دانش‌هایی که کسب کرده‌اند، چیرگی آنان بر مهارت‌های یادگیری است.

۱- عوامل خانوادگی

آموزش و پرورش هر کشوری مهمترین و مؤثرترین نظام پرورش و رشد شخصیت نوجوانان و جوانان است ضرورت توجه به رشد و شخصیت آدمی و اهمیت پرورش تن و روان دانش‌آموزان موجب شده است که این مسئله به عنوان یکی از کارکردهای اساسی نظام آموزش و پرورش به حساب آید در صورتی اهداف عالی آموزش و پرورش تحقق می‌یابد که هماهنگی با دیگر نهادها از جمله خانواده به وجود آید (کردافشاری، ۱۳۹۸)

خانواده به عنوان اولین جامعه‌ای که کودک در آن زندگی جمعی را تجربه می‌کند می‌تواند منشأ تحولات تربیتی و قانونمندی جوامع باشد به گونه‌ای که سازندگی‌های آن به جامعه گسترش یافته می‌تواند منشأ تحولات بزرگ اجتماعی باشد. انسان‌های بزرگ در خانواده‌های متعادل و سالم پرورش یافته‌اند شرایط انضباطی و اخلاقی، اقتصادی و عاطفی خانواده ممکن است به گونه‌ای باشد که فرزند را برای بهتر زیستن تفوق بر امور و شرایط حیات آمادگی بخشد و در امر تحصیل و پیشرفت او مفید باشد یا برعکس او را از تحصیل و رشد و پیشرفت بازدارد بسیاری از مربیان تعلیم و تربیت روانشناسان، جامعه‌شناسان، منشأ بسیاری از مشکلات رفتاری و اجتماعی دانش‌آموزان را ناشی از مسائل موجود در خانه می‌دانند و روابط نادرست عاطفی پدر و مادر در ناسازگاری میان اعضای خانواده، افراط و تفریط در حمایت و مراقبت و عدم توجه و نظارت بر دوستان و معاشرت فرزندان از مسائل مهمی است که نقش اساسی در شکست تحصیلی آنان دارد خانواده منبع اصلی انتقال مهارت‌های اساسی، رفتارها، عادات و میراث فرهنگی به فرزندان است در حقیقت آینده و تقدیر کودکان بستگی به شرایط و طرز عمل خانواده دارد (شعاری نژاد، ۱۳۹۴) علاوه بر موارد فوق؛ عواملی که در اشتیاق تحصیلی از نظر خانوادگی متأثر است توضیح داده می‌شود.

۱-۱- ساختار خانواده^{۱۱}

ساختار خانواده به عنوان یک عامل بر اشتیاق تحصیلی تأثیرگذار است به طوری که در خانواده‌های گسسته که پدر و مادر از هم جدا زندگی می‌کنند کودکان از راهنمایی و تشویق محروم می‌مانند و توانایی برقراری ارتباط عاطفی و اجتماعی صحیح از آنان گرفته می‌شود (کردافشاری، ۱۳۹۸) محیط زندگی باید سرشار از آرامش باشد تا بچه‌ها احساس ناامنی و اضطراب نکنند درس خواندن در محیط نا آرام و ناامن خانه بسیار دشوار است که در همین زمینه می‌توان از علل ارتکاب جرم به گسیختگی خانوادگی اشاره کرد به عبارت دیگر سطح پیشرفت تحصیلی پایین کودکان با

^{۱۱} family structure

تعلیم و تربیت پایین خانواده و آزادی‌های بی حد خانوادگی ارتباط دارد. مهمترین نقش والدین در زمینه پیشرفت تحصیلی ایجاد محیط آرام و مساعد برای مطالعه و انجام تکالیف است (ابراهیم زاده، ۱۳۸۵)

۱-۲- درآمد خانواده

اینکه خانواده در کجای خط فقر قرار دارد مهم است. فقر به همراه خود مسائل و مشکلات انسانی گوناگونی از قبیل، سختی معیشت، گرسنگی، کم توانی و نظیر اینها را می‌آورد که در نتیجه باعث مشکلات و موانعی برای جلوگیری از ورود افراد به نظام آموزش و پرورش و یا باعث عدم موفقیت به حساب می‌آید چنین کودکانی لاجرم به کار کشیده می‌شوند که در نتیجه ترک تحصیل را به همراه دارد و همچنین باعث کاهش مطالعه و کاهش رغبت و علاقه می‌شود (شعاری نژاد، ۱۳۹۸).

۱-۳- اشتغال والدین

اشتغال والدین در خارج از خانه بر میزان رسیدگی به دانش آموزان تأثیرگذار است. اشتغال والدین همچنین بر پیشرفت دانش آموزان و میزان اشتیاق تحصیلی آنها مؤثر است. وجود والدین در منزل به خصوص مادر نقش مؤثری در تربیت عاطفی و روانی کودکان دارد و عدم حضور والدین در محیط خانه باعث ایجاد مشکلات تربیتی و اختلالات عاطفی در کودک می‌گردد (کردافشاری، ۱۳۹۸)

۱-۴- فقدان والدین

نبودن پدر و مادر یا هر دو، اختلالات خانوادگی، جدایی از والدین باعث می‌شود شرایط امنیت روانی و عاطفی کاهش یابد و آثار منفی رفتاری و عاطفی در کودک باعث ایجاد بی علاقه‌گی و آشفتگی هیجانی می‌شود که هر یک به نوبه خود می‌تواند عاملی برای افت تحصیلی باشد. در همین زمینه بی سواد والدین موجب عدم درک وظایف مدرسه، برنامه‌ها و حضور دانش آموزان در مدرسه می‌گردد و مشکلاتی را به وجود می‌آورد (کردافشاری، ۱۳۹۸).

۱-۵- مهاجرت

گسترش صنایع و شهرها موجب شده است که مهاجرت‌ها اتفاق افتد از این رو، انسان‌هایی با عقاید متفاوت در کنار هم قرار خواهند گرفت و مهاجران با توجه به محدودیت‌ها، مقررات اجتماعی و بی اعتقادی شهر نشین‌ها سرگردان می‌شوند و به انواع انحرافات کشیده می‌شوند که تحقیقات ثابت کرده است که انواع جرائم در مهاجران بیشتر است. دانش آموزان مهاجر معمولاً به دلایلی از کلاس غیبت می‌کنند زیرا این دانش آموزان علاوه بر سازگاری با مکان جدید باید با فاکتورهای مرتبط با فرهنگ پذیری آن جامعه نیز سازگار شوند (پرهیز، ۱۳۹۷).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از پژوهش‌های کاربردی و روش آن این پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی می‌باشد. با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، در این تحقیق از روش توصیفی از نوع همبستگی استفاده خواهد شد و برای جمع آوری اطلاعات از روش میدانی و پرسشنامه استفاده می‌شود. شرح ابزارهای مورد استفاده، در قسمت ابزارهای جمع آوری اطلاعات آمده است. در این تحقیق در بخش کتابخانه‌ای از منابع معتبر کتابخانه‌ای، اینترنت و... و در بخش میدانی از پرسشنامه استفاده خواهد شد.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان شهرستان خرم آباد می‌باشند. به منظور انتخاب نمونه از بین کلیه مدارس مناطق ۱ و ۲ و ۳ شهرستان خرم آباد، از هر منطقه ۳ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب و از هر مدرسه ۳ کلاس به صورت تصادفی انتخاب خواهد شد نهایتاً نمونه نهایی ۳۷۴ نفری به صورت تصادفی انتخاب خواهند شد. با در نظر گرفتن احتمال افت شرکت کنندگان، ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب خواهند شد. به منظور اجرای دقیق پژوهش و رعایت اصول اخلاقی، حضور پژوهشگر هنگام توزیع و تکمیل پرسشنامه‌ها، این امکان را فراهم می‌سازد تا در خصوص هدف تحقیق، اهمیت آن و شیوه پاسخ‌گویی به سوال‌ها توضیحات لازم داده شود. در ضمن سعی می‌شود جوانب امر در ارتباط با محرمانه بودن پاسخ‌ها رعایت گردد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی و استنباطی انجام می‌شود، که در روش توصیفی، اطلاعات و داده‌های خام، با استفاده از روش‌های معین طبقه بندی شده و به صورت جداول و نمودارهای آماری از تک تک آزمودنی‌ها بدست می‌آید. در قسمت استنباطی به تعیین ارتباط و شدت و جهت ارتباط بین نظرات آزمودنی‌ها در مورد هر یک از ابعاد پرداخته می‌شود. جهت انجام این کار، از آزمون همبستگی پیرسون و روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده که هم وجود ارتباط، و هم شدت و جهت ارتباط را به خوبی نشان می‌دهد.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل توصیفی جنسیت پاسخ دهنده ها

جنسیت پاسخ دهنده ها

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
دختر	۱۷۱	۵۷
پسر	۱۳۹	۴۳
جمع	۳۰۰	۱۰۰

تحلیل توصیفی مقطع پاسخ دهنده ها

مقطع پاسخ دهنده ها

مقطع	فراوانی	درصد فراوانی
دهم	۲۰۴	۶۸
یازدهم	۵۷	۱۹

دوازدهم	۳۹	۱۳
جمع	۳۰۰	۱۰۰

تجزیه و تحلیل توصیفی مولفه‌های پژوهش:

مولفه‌های پژوهش

متغیر	مولفه	میانگین	انحراف معیار	واریانس
هوش معنوی	بعد اعتقادی	۲.۹۰	۱.۷۳	۲.۹۹
	توانایی مقابله و تعامل با مشکلات	۲.۶۱	۱.۹۱	۳.۶۵
	پرداختن به سجایای اخلاقی	۲.۸۷	۱.۶۱	۲.۵۹
	خودآگاهی و عشق و علاقه	۳.۱۲	۱.۸۵	۳.۴۲
مهارت سازشی	آسیب‌های حوزه فعالیت‌های زندگی	۲.۸۹	۲.۱۵۰	۴.۶۲۲
	آسیب‌های اجتماعی	۲.۹۶	۲.۲۶	۵.۱۰۷
اشتیاق تحصیلی	نیرومندی	۲.۷۷	۲.۶۱۸	۶.۸۵۴
	وقف خود	۲.۸۹	۱.۱۶	۱.۳۴
	جذب	۲.۶۰	۱.۳۴	۱.۷۹

طبق جدول مشاهده می‌گردد که مولفه‌های بعد اعتقادی، توانایی مقابله و تعامل با مشکلات، پرداختن به سجایای اخلاقی، خودآگاهی و عشق و علاقه، آسیب‌های حوزه فعالیت‌های زندگی، آسیب‌های اجتماعی، نیرومندی، وقف خود، جذب همگی پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد.

تحلیل استنباطی داده‌ها

در آمار استنباطی پژوهشگر با استفاده مقادیر نمونه آماره‌ها را محاسبه کرده و سپس با کمک تخمین و یا آزمون فرض آماری، آماره‌ها را به پارامترهای جامعه تعمیم می‌دهد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش‌های آمار استنباطی مبتنی بر نرم افزار SPSS یعنی آزمون کولموگروف اسمیرنوف و ماتریس همبستگی پیرسون استفاده می‌شود.

آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

آزمون K-S یکی از مهمترین آزمونهای آماری در نرم افزار SPSS محسوب می‌شود. در انتخاب یک آزمون باید تصمیم بگیریم که آیا از آزمونهای پارامتریک استفاده کنیم یا آزمونهای ناپارامتریک. یکی از اصلی‌ترین ملاکها برای این انتخاب انجام آزمون کولموگروف-اسمیرنوف است. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نرمال بودن توزیع داده‌ها را نشان می‌دهد.

آزمون نرمال بودن متغیرها

متغیر	Sig	مقدار خطا
هوش معنوی	۰/۰۶۴	۰/۰۵
مهارت سازشی	۰/۰۵۷	۰/۰۵
اشتیاق تحصیلی	۰/۰۶۴	۰/۰۵

همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد متغیرهای هوش معنوی، مهارت سازشی و اشتیاق تحصیلی دارای توزیع نرمال می‌باشند. چون مقدار سطح معنی داری آنها از سطح ۵٪ تجاوز کرده است. لذا باید از آزمونهای پارامتریک استفاده نمود. فلذا از آزمون همبستگی پیرسون باید استفاده نمود.

بررسی فرضیه فرعی اول

فرضیه فرعی اول عبارت بود از اینکه بین مولفه‌های هوش معنوی با مهارت‌های سازشی رابطه وجود دارد.

جدول ضرایب همبستگی بین مولفه‌های هوش معنوی و مهارت‌های سازشی

ضرایب همبستگی					متغیرها
۵	۴	۳	۲	۱	
				۱/۰۰	۱- بعد اعتقادی
			۱/۰۰		۲- توانایی مقابله و تعامل با مشکلات
		۱/۰۰			۳- پرداختن به سجایای اخلاقی
	۱/۰۰				۴- خودآگاهی و عشق و علاقه
۱/۰۰	**۰/۵۸۸	**۰/۵۹۴	**۰/۵۷۱	**۰/۶۱۲	مهارت‌های سازشی

** معناداری در سطح ۰/۰۱

این جدول مقادیر ضریب همبستگی پیرسون و ضریب پیش‌بینی را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون برای همبستگی مولفه‌های هوش معنوی با مهارت‌های سازشی برابر است با ۰/۶۱۲، ۰/۵۷۱، ۰/۵۹۴، ۰/۵۸۸ که اشاره دارد به همبستگی ساده بین دو متغیر و به عبارتی شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. که حاکی از رابطه مستقیم و معنی دار مولفه‌های هوش معنوی با مهارت‌های سازشی است.

فرضیه فرعی دوم

فرضیه فرعی دوم عبارت بود از اینکه بین مولفه‌های هوش معنوی با اشتیاق تحصیلی رابطه وجود دارد

جدول ضرایب همبستگی بین متغیرهای هوش معنوی و اشتیاق تحصیلی

ضرایب همبستگی					متغیرها
۵	۴	۳	۲	۱	
				۱/۰۰	۱- بعد اعتقادی
			۱/۰۰		۲- توانایی مقابله و تعامل با مشکلات
		۱/۰۰			۳- پرداختن به سجایای اخلاقی
	۱/۰۰				۴- خودآگاهی و عشق و علاقه
۱/۰۰	۰/۶۲۳	۰/۶۰۹	۰/۵۵۴	۰/۵۹۸	اشتیاق تحصیلی

** معناداری در سطح ۰/۰۱ * معناداری در سطح ۰/۰۵

این جدول مقادیر ضریب همبستگی پیرسون و ضریب پیش‌بینی را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون برای همبستگی مولفه‌های هوش معنوی با اشتیاق تحصیلی به ترتیب برابر است با ۰/۵۹۸، ۰/۵۵۴، ۰/۶۰۹، ۰/۶۲۳ که اشاره دارد به همبستگی ساده بین دو متغیر و به عبارتی شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. که حاکی از رابطه مستقیم و معنی دار مولفه‌های هوش معنوی با اشتیاق تحصیلی است.

فرضیه اصلی

فرضیه اصلی پژوهش عبارت بود از اینکه مولفه‌های هوش معنوی (تفکر کلی و بعد اعتقادی، خود آگاهی و عشق و علاقه، توانایی مقابله و - تعامل با مشکلات، پرداختن به سجایای اخلاقی) و مهارت‌های سازشی با اشتیاق تحصیلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه ناحیه یک شهرستان خرم‌آباد، رابطه معنادار دارد مبتنی بر جدول ذیل داریم:

جدول ضرایب همبستگی بین متغیرهای هوش معنوی، مهارت‌های سازشی و اشتیاق تحصیلی

ضرایب همبستگی پیرسون							متغیرها
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
						۱/۰۰	۱- بعد اعتقادی
					۱/۰۰	۰/۴۵۲	۲- توانایی مقابله و تعامل با مشکلات
				۱/۰۰	۰/۳۵۲	۰/۳۸۱	۳- پرداختن به سجایای اخلاقی
			۱/۰۰	۰/۴۳۹	۰/۴۶۷	۰/۴۱۹	۴- خودآگاهی و عشق و علاقه
		۱/۰۰	۰/۴۵۹	۰/۴۶۷	۰/۴۳۸	۰/۴۵۲	۵- آسیب‌پذیری‌های زندگی
	۱/۰۰						۶- آسیب‌های اجتماعی
۱/۰۰	۰/۶۰۸	۰/۵۹۱	۰/۵۸۹**	۰/۵۶۹**	۰/۵۷۴**	**۰/۵۵۳	۷- اشتیاق تحصیلی

** معناداری در سطح ۰/۰۱ * معناداری در سطح ۰/۰۵

مقدار ضریب همبستگی پیرسون برای همبستگی مولفه‌های هوش معنوی و مهارت‌های سازشی با اشتیاق تحصیلی به ترتیب برابر است با ۰/۵۵۳، ۰/۵۷۴، ۰/۵۶۹ و ۰/۵۸۹ که اشاره دارد به همبستگی ساده بین دو متغیر و به عبارتی شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. همان‌طور که از مقدار همبستگی پیرسون بین دو متغیر نمایان است، بین متغیر هوش معنوی و مهارت‌های سازشی با اشتیاق تحصیلی همبستگی در حد بالا (مستقیم) وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول: مولفه‌های هوش معنوی (تفکر کلی و بعد اعتقادی، خودآگاهی و عشق و علاقه، توانایی مقابله و- تعامل با مشکلات، پرداختن به سجایای اخلاقی) و مهارت‌های سازشی با اشتیاق تحصیلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه ناحیه یک شهرستان خرم‌آباد، رابطه معنادار دارد.

نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون حاکی از آن است که بین متغیر هوش معنوی و مهارت‌های سازشی با اشتیاق تحصیلی همبستگی در حد بالا (مستقیم) وجود دارد.

با توجه به انتظارات نظری پژوهش در تبیین رابطه بین هوش معنوی با اشتیاق تحصیلی باید بیان داشت دانش‌آموزان با هوش معنوی بالا از طریق این احساس که خداوند آنها را دوست دارد، حامی آنهاست باعث می‌شود که آنها از خودکارآمدی بالاتری نسبت به دیگر گروه‌ها برخوردار باشند. هوش معنوی در دانش‌آموزان احتمالاً، نوعی احساس کنترل و کارآمدی به آنها می‌دهد که ریشه خدایی دارد و می‌تواند کاهش یافتگی کنترل شخصی را جبران نماید و در نتیجه پشتکار و اشتیاق تحصیلی در آنها تقویت می‌گردد. همچنین از آنجا که اعتقادات و نگرش‌های مذهبی

با حل کردن تعارض‌های ارزشی اساسی انسان و تأثیر بر ابعاد مختلف زندگی او می‌تواند به عنوان نیرویی حامی، موجب کاهش فشارهای روانی و افزایش عزت نفس و اشتیاق تحصیلی شود.

تبیین احتمالی دیگر می‌تواند به این نحو باشد که دانش آموزان دارای هوش معنوی به دلیل این باور که خداوند حامی آنها در تمامی زمینه‌ها از جمله در امر تحصیل می‌باشد، علی‌رغم وجود شرایط ناگوار محیطی قادر به تطابق موفقیت آمیز هستند و به خود روحیه و امید می‌دهند و اشتیاق تحصیلی در آنها فزونی می‌یابد. اغلب دانش آموزان به دلیل باورهای مذهبی خاص و هوش معنوی فعالیت‌های خود را با امید و انتظاراتی خاص جهت نیل به بالاترین سطح آغاز می‌نمایند و بیشتر آنها به پیشرفت خود، رسیدن به برتری و به دست آوردن مسئولیت‌ها و موفقیت‌ها بها می‌دهند و برای رسیدن به آنها از انگیزش کافی نیز برخوردار خواهند شد.

دانش آموزانی که دارای هوش معنوی قوی‌تر هستند، بر بهبود مهارت‌های خود، متبحر شدن در یادگیری و کسب دانش جدید تأکید دارند با به عبارت دیگر اهداف تبحری دارند. هوش معنوی به دلیل تقویت خودباوری دانش آموزان موجب علاقه مندی درونی به مطالب و تکالیف درسی، ارزش دهی و اهمیت به آنها، وجود عاطفه مثبت و فقدان عاطفه منفی نظیر ناامیدی، اضطراب و خشم هنگام انجام تکالیف درسی و یادگیری می‌گردد.

هوش معنوی به واسطه سؤال سازی در رابطه با مسایل بنیادی در زندگی و کمک به پذیرش تحول و تغییر در زندگی دانش آموزان را قادر می‌سازد تا به فعالیت‌ها و نحوه عملکرد هایشان مفهومی وسیع‌تر، غنی‌تر، پربارتر و پرمعنا تر ببخشند. همچنین با کمک آن بر معنای اعمالشان آگاه شده و دریابند کدامیک از اعمال و رفتارهایشان از ارزش بیشتری برخوردارند و کدام مسیر در زندگی شان والاتر و شایسته پیمودن است در این راستا آنها به ارزش علم پی خواهند برد و اشتیاق به امر تحصیل در آنها رشد می‌یابد.

رابطه بین هوش معنوی با مهارت سازشی نیز بدین نحو تبیین می‌گردد که هوش معنوی دانش آموز را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطراف و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌نماید و باعث بهبود مهارت سازشی می‌شود؛ به عبارتی هوش معنوی با معنا آفرینی افزایش عملکرد را به همراه خواهد داشت. از سویی دیگر، هوش معنوی بدین جهت که خودآگاهی و انعطاف پذیری به دانش آموزان می‌دهد و دیدی کلی در مورد زندگی و تجارب و رویدادها برای آنان به وجود می‌آورد می‌تواند سبب افزایش مهارت سازشی دانش آموزان شود؛ در واقع، هوش معنوی به عنوان عواملی که فرا درونی و فرامرزی است و با سؤالات هستی و تعالی در ارتباط است، می‌تواند به عنوان یک ظرفیت برای تصمیم‌گیری مهم و اندیشه در موضوعات وجودی استفاده شود و به دانش آموز انگیزه دهد و موجبات تلاش و کوشش و نهایتاً بهبود مهارت سازشی را در آنان فراهم آورد.

در تبیین احتمالی دیگر می‌توان بیان داشت از آنجا که تمرین‌های معنوی، آگاهی و نگرش نسبت به سطوح چندگانه هوشیاری (تعمق) را افزایش می‌دهند بر مهارت سازشی دانش آموزان تأثیرگذار می‌باشد. از دیگر سو، هوش معنوی با فراهم نمودن یک چارچوب جهت تفسیر و تحلیل تجربه‌های زندگی و بالتبع با فراهم نمودن انسجام وجودی، در ارتقای مهارت دانش آموزان تلاش می‌نماید. به عبارتی دیگر، هوش معنوی با منسجم نمودن باورها و اعتقادات دانش آموزان موجب می‌گردد زندگی برای آنها دارای معنا و مفهوم باشد و به آینده امیدوار و خوش بین باشند و جهت رسیدن به موفقیت از جمله موفقیت تحصیلی و بهبود عملکرد تحصیلی تلاش نمایند.

References

- Amram, Josph (Yosi). (۲۰۰۵). Intelligence Beyond IQ: The contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business leadership, institute of transpersonal psychology.
- Ebrahimzadeh, Alireza. (۱۳۸۵). Effective factors in the academic progress of students. Tarbiat Monthly ۸.
- Eid, N., Arnout, B., Almoied, A. (۲۰۲۰). Leader's spiritual intelligence and religiousness: Skills, factors affecting, and their effects on performance (a qualitative study by grounded theory). Journal of Public Affairs, Vol ۲۱, Issue ۱.
- Koh Banani, Shahin. (۲۰۱۸). The relationship between emotional intelligence and spiritual intelligence with life satisfaction in highly intelligent female high school students of Birjand city, master's thesis of Islamic Azad University, Qaynat branch.
- Kordafshari, Fatemeh. (۲۰۱۸). Examining the academic involvement of third year high school students based on the ranking of their teaching style. Master's thesis, Ferdowsi University.
- Moini Karbkandi, Mansoura; Tabarsa, Gholam Ali. (۲۰۱۸). Investigating the dimensions of spiritual intelligence with job burnout, scientific research paper, volume ۴, number ۴.
- Naami, A., Piriaei, B., (۲۰۱۲), the attitude of master's students in curriculum planning towards their field of study and its role in their academic involvement. Master's thesis. Ferdowsi University.
- Parhiz, Seyyedeh Mahdia. (۲۰۱۴). The relationship between academic engagement and locus of control with academic burnout in students. Master's thesis. Central Tehran Azad University.
- ShoariNejad, Ali Akbar. (۲۰۱۴). Psychology of education and teaching. Tehran: Information Publications.
- Vaughan, f. (۲۰۰۳). What is spiritual intelligence? journal of humanistic psychology, vol ۴۲, ۲۳-۶
- Zohor, D., & marshall, ۱. (۲۰۱۸). SQ: spiritual intelligence: the ultimate intelligence. New York: NY, USA: Bloomsbury.